

برآمدن ملوک بنی قیصر کیش
(به روایت اسناد گنیزه و منابع دست اول)

دکتر مجتبی خلیفه

استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

(از ص ۵۷ تا ۷۲)

چکیده:

در سده‌های پنجم و ششم هجری، تجارت خلیج فارس با رکود مواجه شد، در عوض مرکزیت تجارت بین‌المللی دریایی آن دوره به دریای سرخ و دریای مدیترانه منتقل گردیده بود. برآمدن جزیره کیش به‌عنوان یک مرکز تجاری مهم در خلیج فارس به نیمه سده ششم هجری باز می‌گردد. تلاش خاندانی محلی به‌نام بنی قیصر، هم برای نخستین‌بار، کیش را به مهم‌ترین مرکز تجاری خلیج فارس تبدیل کرد و هم مرکزیت تجارت دریایی را پس از دو سده غیبت به خلیج فارس بازگرداند. در این مقاله تلاش شده چگونگی برآمدن کیش در سده ششم و نقش ملوک بنی قیصر در این زمینه به کمک منابع فارسی و عربی آن دوره و نیز دو سند ارزشمند مربوط به مجموعه اسناد گنیزه بررسی شود.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، کیش، ملوک بنی قیصر، اسناد گنیزه.

مقدمه:

جزیره کیش (قیس)، یکی از جزایر و بنادر معروف خلیج فارس می‌باشد که آغاز رونق اقتصادی آن به نیمه دوم سده ششم هجری باز می‌گردد. ابن خرداد به در نیمه سده سوم هجری تنها به نقش جزیره کیش به‌عنوان صیدگاهی برای مروارید اشاره کرده است (ابن خردادبه، ص ۴۷)، زیرا کیش یک از بهترین مفاصل‌های (= محل غوص و صید مروارید) خلیج فارس برای صید مروارید به حساب می‌آمده است.

در سده ششم، صاحب عجایب‌نامه بی‌هیچ انگلستان به موقعیت تجاری کیش درباره آن چنین می‌نویسد:

... آن‌جا نه زرع بود و نه نبات. از شهر شیلاف طعام آورند. و به آن زندگانی کنند و وطن نسیارند (همدانی، ص ۴۷۴).

وی که به‌طور قطع مطالبش را از نوشته‌های پیشینیان اخذ کرده، در واقع به وابستگی کیش به بندر سیراف، در اوج شکوفایی سیراف در سده‌های سوم و چهارم هجری اشاره کرده است.

ابن بلخی مورخ سال‌های نخستین سده ششم، اشاره می‌کند که نام جزیره پس از ورود اسلام به واسطه اعراب بنی‌عبد قیس چنین نامیده شده، اما از نام قدیم آن سخنی به‌میان نمی‌آورد. به استناد وی، امرای کیش [به‌احتمال قوی در نیمه دوم سده پنجم] بر سیراف مستولی شدند و با رشوه‌هایی که بعدها به رکن‌الدین خمارتگین، حاکم سلجوقی فارس در اواخر سده پنجم، دادند مانع از برخورد با حاکم فارس شدند (ابن بلخی، ص ۳۳۰). هم‌چنین ابن بلخی، دو بندرگاه کوچک هزو و سایه در نزدیکی هرمز را نیز تحت تابعیت امیر کیش ذکر می‌کند (همان، ص ۳۴۱). با این اوصاف وی در آغاز سده ششم هجری هیچ انگلستان به موقعیت تجاری جزیره کیش ننموده و آن‌را به کتاب دیگر خود «صفت دریاها»

ارجاع می‌دهد، که متأسفانه اثری از آن باقی نمانده است. مفصل‌ترین و دقیق‌ترین گزارش‌ها درباره کیش پس از اسلام توسط ابن‌مجاور، جغرافیانویس مشهور و نویسنده کتاب ارزشمند «تاریخ مستبصر» در نیمه نخست سده هفتم هجری به ثبت رسیده است. وی نخستین ساکنان کیش را زرتشتیانی می‌داند که بلافاصله پس از ورود اعراب مسلمان به ایران، به آن‌جا مهاجرت کرده و بناهایی با آجر و گچ برپا داشته‌اند. به‌مرور این جزیره به زندان و تبعیدگاه «ملوک فارس» تبدیل گردید و تنها ساکنان آن‌را گروهی ماهیگیر تشکیل می‌دادند. تا این که با افول بندر سیراف، دو مرد سیرافی وارد کیش شدند و با غلبه بر ماهیگیران ساکن آن‌جا، صاحب آن جزیره گشتند. ابن‌مجاور ورود سیرافی‌ها به کیش را منشأ آبادانی کیش می‌داند و تاریخ ورود آن‌ها را سال‌های نخستین سده ششم هجری ذکر می‌کند^(۱) (ابن‌مجاور، ج ۲، ص ۲۸۷).

وصاف در قالب ذکر داستانی افسانه‌وار بر مهاجرت سیرافی‌ها به کیش صحه گذاشته و آبادانی کیش را به پسران ناخدایی سیرافی به‌نام قیصر نسبت می‌دهد. پسر بزرگ قیصر، به‌نام قیس به‌همراه دیگر برادرانش به آن جزیره رفته و به آبادانی آن مشغول شدند (وصاف الحضرة، صص ۱۷۰-۷۱).

ادریسی جغرافیانویس نیمه سده ششم هجری نیز امرای کیش را یمنی‌الاصل ذکر می‌کند (ادریسی، ص ۱۵۶) و البته پذیرش این گفته به تأمل و تتبع بیشتری نیاز دارد. شاید حضور گسترده سیرافی‌ها در یمن، به‌ویژه عدن، پس از افول سیراف باعث شده تا ادریسی که در سیسیل ساکن بوده چنین نظری ارائه دهد.

طبق روایات فوق می‌توان دریافت که در نیمه دوم سده پنجم هجری جمعیتی مرگب از زرتشتی‌هایی که با ورود اسلام به ایران در آن‌جا ساکن شده بودند؛ اعرابی که در قرون نخستین اسلامی وارد جزیره شده بودند و نیز سیرافی‌هایی که به‌احتمال قریب به یقین در اواخر سده چهارم و آغاز سده پنجم به کیش مهاجرت

کرده بودند، در آن‌جا ساکن بودند. با این اوصاف، اینکه ابن‌مجاور ورود سیرافی‌ها به کیش را به سال‌های اوایل سده ششم مربوط می‌داند، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. البته باید اعتراف کرد که ارزشمندترین اطلاعات درباره مهاجرت سیرافی‌ها به کیش و برآمدن کیش به‌عنوان یک قدرت برتر دریایی، توسط ابن‌مجاور ثبت شده است.

روایت ابن بلخی که زمان استیلای امرای کیش بر بندر سیراف را به عهد حاکمیت رکن‌الدین خمارتگین بر فارس، یعنی سال‌های پایانی سده پنجم هجری مربوط می‌داند (ابن بلخی، ص ۳۳۰) نشان می‌دهد که مهاجرت سیرافی‌ها به کیش، به چندین دهه قبل از این تاریخ، یعنی قبل از شکوفایی و آغاز رونق این جزیره مربوط بوده است. و صاف نیز تبدیل کیش به «فرضه» و بندرگاه سواحل خلیج فارس را به زمان سلطنت ملک تورانشاه^(۲) (۴۹۰-۴۷۷ هـ. ق. / ۱۰۹۷-۱۰۸۵ م.)، از سلاطین سلجوقی کرمان مربوط می‌داند (وصاف، ص ۱۷۰).

بنابراین از مجموع روایات بالا می‌توان نتیجه گرفت که جزیره کیش پس از مهاجرت سیرافی‌ها به آنجا در نیمه نخست سده پنجم^(۳)، به مرور مراحل ترقی را پیمود، تا اینکه در اواخر سده پنجم و اواسط سده ششم در پی گسترش نفوذ خود بر دیگر نواحی خلیج فارس برآمد.

حکام بنی‌قیصر کیش در نیمه نخست سده ششم هجری، روز به روز به پیشرفت خود ادامه دادند. اما به دو دلیل آن‌ها در این زمان، ناامنی‌های زیادی در خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند ایجاد کردند: نخست رونق تجاری دریای سرخ که تجارت چین و هند را به یک‌باره به آن سو کشانده بود و دوم افول تجاری خلیج فارس، که کیش هم از این قاعده مستثنی نبود.

بنابراین ملوک کیش در نیمه نخست سده ششم، سیاست تضعیف موقعیت بنادر شکوفای دریای سرخ، اقیانوس هند و شرق آفریقا را در پیش گرفتند. هم

پاره‌ای از منابع عربی نگاشته شده در سده ششم هجری و هم برخی اسناد تجاری باقی مانده از آن زمان، حاکی از ناامنی‌هایی هستند که حاکم کیش در نیمه نخست سده ششم هجری در سواحل و بنادر مهم تجاری دریای سرخ و اقیانوس هند برپا کرده بود. از جمله از بین مجموعه اسناد معروف و ارزشمند گنیزه^(۴) قاهره، دو سند نوشته دو شاهد عینی^(۵)، به‌طور دقیق به شرح مختصر لشکرکشی ناوگان دریایی حاکم کیش به بندر عدن اختصاص دارد. هر دو سند از عدن ارسال شده است. نامه نخست از عدن به هند برای آبراهام یجو، بازرگان تونسی ساکن هند فرستاده شده و نامه دوم از عدن به مقصد قاهره ارسال گردید است. در واقع با این نامه‌ها بازرگانان عدن، وضعیت سیاسی آن زمان را که بر وضعیت تجارت دریایی نیز سایه افکنده بود، با شرکای تجاری خود در مصر و هند در میان گذاشته‌اند. حاکم کیش (که در یکی از این نامه‌ها ولدالعמיד خطاب یافته) در حدود سال ۵۲۹ هـ. ق / ۱۱۳۵ م. دو لشکرکشی به عدن انجام داده و آن‌جا را محاصره کرده است. در این دو لشکرکشی، حاکم کیش، کشتی‌های زیادی را عازم عدن نمود که در آن زمان توسط زیرعیان (حکومت: ۵۷۱-۴۷۳ هـ. ق.) به‌عنوان دست‌نشانده فاطمیان مصر اداره می‌شد. آن‌چنان که از محتوای نامه‌ها برمی‌آید، حملات حاکم کیش به عدن، وحشت مردم و تجار آن‌جا را به‌همراه داشته و خسارات زیادی به ایشان وارد نموده است. گویتن هدف از این لشکرکشی‌ها را با دو دلیل ذکر می‌کند: یکی چنگ انداختن به ثروت بی‌شمار تجار و ثروتمندان عدن و دیگری مقابله با تغییر جهت مسیر تجاری از خلیج فارس و دریای عمان به سمت عدن و ممانعت از رونق یافتن تجارت دریای سرخ (Goiten, p. 248). اما به‌نظر نمی‌رسد که هدف اصلی حاکم کیش تسخیر عدن بوده باشد، بلکه گویا ناامن کردن دریای سرخ و پایگاه تجاری اصلی آن، عدن و بازگرداندن مسیر تجاری بین‌المللی به خلیج فارس را بیشتر مدنظر داشته

است.

علاوه بر شرح هجوم ناوگان حاکم کیش به عدن، نکته بسیار مهمی در سند نخست مورد اشاره قرار گرفته است که نشان‌دهنده حضور پرننگ بازرگانان ایرانی در تجارت دریای سرخ با مدیترانه و اقیانوس هند است. درحین حمله ناوگان حاکم کیش به عدن، دو کشتی انباشته از مال‌التجاره هند، متعلق به فردی ایرانی به نام «ناخدا رامشت» درحال ورود به بندر عدن بوده است. نام کامل وی در منابع اسلامی، رامشت بن شیرویه بن حسین بن جعفر فارسی سیرافی ذکر شده است. وی در روزگار خود بازرگانی متمول و مشهور بوده و به نحوی فعال در تجارت دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند شرکت داشته است. بنای شهری در ساحل دریای سرخ به وی نسبت داده شده است (ابن‌مجاور، ج ۲، ص ۲۴۷). ابن‌اثیر نیز از سفرهای دریایی بی‌شمار ناخدا رامشت سیرافی به هندوستان سخن به میان آورده است. وی هم‌چنین تهیه پوششی فاخر برای کعبه در سال ۵۳۲ هـ. ق. به ارزش ۱۸ هزار دینار مصری را از اقدامات او ذکر می‌کند (ابن‌اثیر، ج ۱، ص ۶۵). مطالب فوق نشان می‌دهد که تغییر مسیر تجارت دریایی به سمت دریای سرخ، باعث مهاجرت بازرگانان و ناخدایان مشهور ایرانی و به‌ویژه سیرافی به سواحل دریای سرخ، جهت شرکت در این تجارت شده بود. امری که حاکم کیش در پی تغییر آن بود.

ادریسی نیز ضمن اشاره به حملات حاکم کیش به سواحل یمن، تأکید می‌کند که این اقدامات حاکم کیش نه تنها ضرر و زیان زیادی به بازرگانان ساکن یمن وارد آورده، بلکه هم‌چنین مسیر دریایی عمان به عدن را نیز بسیار ناامن گردانیده است (ادریسی، ج ۱، ص ۱۵۷).

هم‌چنین، ادریسی به حملات حاکم کیش به بلاد زنج (سواحل شرقی آفریقا) نیز اشاره کرده است. به گفته وی، در پی این حملات، حاکم کیش مردمان

بسیاری از سواحل زنج را به عنوان برده اسیر نمود و به کیش برد(همان، ص ۶۱). ادریسی اشاره می‌کند که در زمان او (نیمه سده ششم هجری) حاکم کیش بیش از پنجاه کشتی بزرگ جنگی در اختیار داشته که در هر یک از آنها یک صد نفر به پارو زدن مشغول بوده‌اند، در کنار کشتی‌های کوچک بی‌شماری که از همگی آنها در حملاتش به سواحل دریاها استفاده می‌کرده است(همان، صص ۱۵۷-۱۵۶).

حاکم کیش به شهر کنبایه، یکی از شهرهای بندری و پررونق جنوب هندوستان، نیز حمله برد، اما به واسطه اینکه آن شهر، بارویی رفیع و محکم داشت، نتوانست به آنجا آسیبی برساند(همان، ص ۸۱).

آن‌گونه که ادریسی ذکر می‌کند، در سده ششم، حاکم جزیره کیش بر تجارت مروارید در بحرین نظارت داشته و بابت آن از حکام محلی بحرین، مالیات معینی دریافت می‌کرده است(همان، ص ۳۹۰). منابع دست اول محلی باقی مانده از سلسله عیونی که بین سال‌های ۶۳۹-۶۶۹ هـ. ق / ۱۲۳۱-۱۰۷۹ م. در بحرین حکومت می‌کرده‌اند، نیز بر تابعیت و خراجگزاری بحرین نسبت به حاکم کیش در سده‌های ششم و هفتم هجری تأکید دارند. بدین‌گونه که علاوه بر تابعیت حکام بحرین نسبت به حاکم کیش، بازرگانان و غواصان مروارید نیز هر ساله مالیاتی به حاکم کیش می‌پرداخته‌اند(المدریس، صص ۱۶۹-۱۶۷).

به احتمال زیاد تسلط کیش بر بحرین پس از درگیری‌هایی که بین ملوک بنی قیصر و عیونی‌ها در قرن ششم برپا بوده و در منابع هم به آنها اشاره شده(جوهری نیشابوری، ص ۳۳۴)، صورت گرفته است. بنابراین حکام کیش پس از دست‌اندازی به سیراف، بحرین و جزایر اطراف، و نیز حملاتی که در نیمه اول سده ششم هجری به سواحل دریای سرخ، شرق آفریقا و سواحل اقیانوس هند انجام دادند، به مرور موفق گردیدند که در نیمه دوم سده ششم هجری به عنوان

قدرت دریایی برتر خلیج فارس مطرح شوند. به نظر می‌رسد که از نیمه دوم قرن ششم به بعد، ملوک کیش، دست از حرکات نظامی برداشته و بیشتر به سمت و سوی تجارت گام برداشته‌اند، به گونه‌ای که منابع نیمه دوم سده ششم و سده هفتم نه تنها هیچ‌گونه سخنی درباره دزدی دریایی و اقدام به ایجاد ناامنی توسط امرای کیش ارائه نمی‌دهند، به عکس به رونق و شکوفایی تجاری جزیره کیش در این زمان اشاره دارند.

از جمله بنیامین تودلایی، سیاح یهودی اهل اندلس، در سال ۵۶۰ هـ. ق. / ۱۱۶۴ م. که طی سفری دریایی از خوزستان (به احتمال زیاد بصره) به جزیره کیش سفر کرده، آن‌جا را چنین توصیف می‌کند:

... آب شرب مردم جزیره از آب باران تأمین می‌شود. آن‌جا مرکز بازرگانی مهمی است، و مقصد بازرگانان برای خرید و فروش کالاهایی چون ابریشم، کتان، پنبه، کنف و حبوباتی مثل گندم، جو، ارزن، برنج، و سایر حبوبات و کالاهای بازرگانان هندی انواع عطرها و ادویه را به آن‌جا می‌آورند. بیشتر ساکنین جزیره، دلال‌ها و سمسارهایی هستند که از طریق واسطه‌گری بین تجار روزگار می‌گذرانند و در این جزیره، پانصد یهودی زندگی می‌کنند (تطیلی الانباری اندلسی، ص ۳۳۸-۳۳۹).

یاقوت هم ضمن اشاره به رفت و آمد مستمر میان بصره و کیش، خود هشت بار مسیر بصره - کیش را طی کرده است (حموی بغدادی، ج ۱، ص ۵۶۳).

چائو جو - کوا، بازرس تجارت دریایی ایالت فو - کین^۱ و بندر بزرگ و معروف آن زیتون^۲ یا تسوان - چو^۳ در عهد سلسله سونگ، در کتاب ارزشمند خود با عنوان «چو - فان - چی» درباره تجارت دریایی چین با آسیای غربی در

1. Fu-Kien
2. Zyton
3. Tsuan- Chou

سده‌های میانه، اطلاعات ذی‌قیمت و مشابهی درباره کیش ارائه می‌دهد. وی کیش^۱ را جزیره‌ای کوچک در خلیج فارس با مردمانی سفیدپوست و خوش‌پوش معرفی می‌کند. چائو از کیش به‌عنوان مرکز مهمی برای صادرات اسب و مروارید نام می‌برد. به‌گفته چائو جو - کوا، هر ساله از نقاط مختلف ایران محصولات محصولاتی چون گلاب، سیماب، سنگرف، شمش نقره، گیاهان رنگی قرمز و پارچه‌های مرغوب و عالی وارد کیش می‌شده، تا به‌صورت پایاپای با محصولات دیگر کشورها معاوضه شود (Chau, pp. 133-134).

بنابراین می‌توان چنین پنداشت که سیر صعودی کیش به‌عنوان مهم‌ترین بندر خلیج فارس تا نیمه‌های سده ششم ادامه داشته است. از نیمه سده ششم به بعد، روزبه‌روز بر اهمیت تجاری کیش افزوده شد. اما به‌استناد منابع تا پایان سده ششم و اوایل هفتم، تجارت کیش بیشتر با هندوستان (و به‌احتمال قوی تا حدود سیلان) صورت می‌گرفته است (حموی، ص ۱۵۶؛ قزوینی، ص ۲۳۴).

در نیمه دوم سده ششم هجری، حکام کیش از یک‌سو برای راضی نگاهداشتن خلافت و از سوی دیگر جهت جلب‌نظر سلاطین سلجوقی همواره هدایایی گرانبها به دربار آن‌ها ارسال می‌کرده‌اند. از جمله در سال ۵۵۵ هـ. ق/ ۱۱۶۰ م. قاضی‌القضاة کیش جعفر ثقفی هدایایی شامل چند کشتی برای خلیفه فرستاد که شامل چندین رأس اسب، چوب‌ساج، صنوبر، آبنوس، عود و طوطی بود (ابن-جوزی، ج ۱۰، ص ۴۴۸).

در سال ۵۶۷ هـ. ق/ ۱۱۷۱ م. حاکم کیش هدایایی شامل صندل، آبنوس، عطریات و عاج فیل به دارالخلافه بغداد فرستاد (همان، ص ۵۰۶). هم‌چنین در زمانی تقریباً مشابه، ملک کیش فرستاده‌ای به همدان نزد سلطان سلجوقی عراق گسیل کرد (طوسی، ص ۵۶۹).

هدایایی که در سفارت‌های فوق توسط حکام کیش به مرکز خلافت ارسال شده، نشان از آغاز تجارت کیش با سواحل هند و شرق آفریقا در نیمه دوم قرن ششم هجری است.

شواهد باستان‌شناسی به دست آمده از کاوش‌های جزیره کیش نیز مؤید این قضیه است که شکوفایی کیش از اواخر سده ششم به بعد صورت گرفته است. قدیمی‌ترین اشیاء به دست آمده از کاوش‌های کیش، ظروف ساده و بی‌لغابی است که آن‌ها را به سده ششم هجری مربوط دانسته‌اند. اغلب سفالینه‌های به دست آمده از کاوش‌های اندک کیش هم به زمان‌هایی بین اواخر سده ششم تا اوایل قرن دهم مربوط هستند. آثار چینی به دست آمده از کاوش‌های کیش هم به سده‌های هشتم و نهم هجری مربوط می‌شوند. براساس شواهد باستان‌شناسی، پررونق‌ترین دوره اسلامی کیش به سده هفتم هجری مربوط بوده است به گونه‌ای که آن قرن را باید «دوره طلایی» کیش دانست (موسوی، ص ۲۲۲)؛ دوره‌ای که دقیقاً به زمان زمامداری ملوک بنی‌قیصر در جزیره کیش مربوط است.

تاکنون طی کاوش‌های انجام شده در جزیره کیش، هیچ اثری قبل از سده پنجم هجری به دست نیامده است (همان، ص ۲۱۰).

همین امر نشان می‌دهد که رونق و شکوفایی کیش در نیمه دوم سده ششم صورت گرفته و اوج آن در سده هفتم و دوره تسلط اتابکان سلغری بر آن‌جا مربوط است.

هنگامی که موقعیت تجاری بندر تیز^(۶)، مهم‌ترین بندر تجاری ایران عصر سلجوقی، در نیمه دوم سده ششم رو به ضعف گرایید، شکوفایی کیش با سرعت بیشتری دنبال شد. هنگام برافتادن قدرت سلاجقه از کرمان و ورود غزها به آن ایالت، چون در پی افول بندر تیز، «گذر قوافل عراق از ثغر تیز با فرضه هر رمز افتاد» همواره بر سرتفوق تجاری میان ملک قیس و امیر هر رمز دشمنی برقرار بود.

به همین دلیل ملک کیش فرستادگانی نزد ملک دینار فرستاد و به او وعده داد که اگر بندر هرمز را به او واگذارد، « هر سال صد هزار دینار زر خراجی و پنجاه سر اسب تازی بدهم»؛ ملک دینار نیز پذیرفت و در سال ۵۸۹ هـ. ق/ ۱۱۹۳ م. ملک کیش با ملک دینار در ساحل غربی هرمز معروف به خور ابراهیمی، دیدار کردند: پس ملک قیس از لطایف اقمشه دریایی، و طرایف امتعه هند، باری و آلات مجالس و اوانی زرو سیم، و لآلی ثمین و نقود مختلف و فرش و طرح و خیمه بر ترتیب خزانه و اصطبل و فراشخانه و مطبخ و غیره، همه را اسباب ملکی نو و کدخدایی تازه فرستاد و یک پاره خز مضاعف، و یک خانه سیاه و یک خانه سرخ [= چادر]، و خدمات‌های شگرف کرد و هدیه‌های عجیب فرستاد، و خواص حضرت را و حرم‌سرای را هر یکی را علیحده نقدی فرستاد، و تحفه‌ای لایق داد، و تشریق شگرف فرمود (کرمانی، صص ۶۰۰-۵۹۹).

البته ملک کیش موفق به تسلط بر هرموز نگشت، اما هم میزان هدایای «متواتر» ملک کیش نشان از ثروت بی‌شمار ناشی از تجارت کیش با هند و افریقا در پایان سده ششم هجری دارد، و هم دلیلی بر روحیه فزون‌خواهی و سلطه‌طلبی امرای کیش به‌شمار می‌رود.

بنابراین می‌توان دریافت ملوک بنی قیصر کیش که در نیمه دوم سده ششم هجری قدرت خود را در جزیره کیش تثبیت کرده و بر خلیج فارس نیز سلطه یافته بودند، در پی بازگرداندن موقعیت تجاری از دست‌رفته خلیج فارس برآمدند. با این حال، چون با تلاش‌های پی‌گیر دولت فاطمیان مصر و با کمک دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها در یمن، طی سده‌های پنجم و ششم هجری، دریای سرخ و اقیانوس هند به مرکز بین‌المللی تجارت دریایی تبدیل شده بود؛ از این رو ملوک بنی قیصر کیش نخست اقدامات خود را بر تضعیف موقعیت تجاری دریای سرخ

و سواحل اقیانوس هند متمرکز کردند تا از آن طریق مسیر بین‌المللی تجارت دریایی را که حدود دو سده از چین و هند به سمت دریای سرخ و از آن طریق به دریای مدیترانه تغییر یافته بود، باردیگر به خلیج فارس بازگردانند. امری که هم منابع دست اول آن دوره و هم اسناد بازمانده مؤید آن هستند. به نظر می‌رسد که ملوک کیش در این اقدام با توفیق روبه‌رو شدند، چون در اندک زمانی در سده هفتم (مقارن روی کار آمدن مغولان در ایران)، نه تنها خلیج فارس تا حدود زیادی جایگاه پیشین خود را در تجارت دریایی بین‌المللی به دست آورد، بلکه کیش نیز به مهم‌ترین بندرگاه بین‌المللی خلیج فارس تبدیل شد.

پیوست‌ها:

الف. سند شماره ۱. (۲۴Y)

کتابخانه دانشگاه کمبریج، مجموعه نیلور ششتر، نسخه خطی شماره ۱۳۷. ۲۰ این سال، با شروع موسم دریانوردی، پسر عمید، حاکم کیش، یک لشکرکشی علیه عدن گسیل کرد. وی خواهان [تملک] بخشی از شهر بود که پذیرفته نشده بود، در نتیجه دست به این لشکرکشی زد. آن [لشکرکشی] شامل دو کشتی بُرمايِ بزرگ^۷، و سه شَفّاره^۸ و ده جاشوجیه^۹ بود: روی هم رفته به ۷۰۰ نفر جاشو مجهز بودند. آن‌ها در انتظار ورود کشتی‌ها در لنگرگاه عدن باقی ماندند، اما وارد شهر نشدند. مردم شهر به شدت از آن‌ها ترسیده بودند، اما پیروزی و کامیابی نصیب آن‌ها نگردید. بسیاری از آن‌ها کشته شده و کشتی‌هایشان با نیزه‌ها سوراخ گشته بود و [برخی از] آن‌ها بر اثر تشنگی و گرسنگی تلف شدند. نخستین کشتی‌های (بازرگانان) که رسیدند دو کشتی متعلق به ناخدا رامشت بود؛ به آن‌ها حمله‌ور شدند، اما خداوند پیروزشان نگرداند. به مجرد ورود کشتی‌ها به بندر، آن‌ها [=کشتی‌ها] با سربازان منظمی تجهیز شدند. در نتیجه دشمن مجبور به فرار از

بندر شد و به سمت دریا پراکنده گشت. به این ترتیب خداوند آنان را پیروز نگرداند و پس از ناکامی‌های بزرگ و تحقیرآمیز، مفتضح‌ترین راه را به‌بار آوردند.

ب. سند شماره ۲. (G1)

کتابخانه دانشگاه کمبریج، مجموعه تیلور شستر، نسخه خطی شماره ۱۸J۵، ورقه ۵ و اما درباره خبرها و حوادثی که پس از رفتن تو در اطراف ما رخ داده‌اند شرح همه آن‌ها به زمان بسیار زیادی نیاز دارد، حتی ده روز زمان نیز برای توصیف آن-چه بر ما رخ داده، کافی نیست.

به هر حال، من به‌طور مختصر خواهم نوشت، به‌خصوص این‌که دوستان ما که این‌جا را ترک کرده‌اند در مورد آن‌چه اتفاق افتاده و هر چه شنیده و دیده‌اند تو را آگاه می‌کنند.

به‌طور خلاصه، ما مدت دو ماه با دشمن به جنگ پرداختیم. دشمن روی دریا بود و ما روی زمین. و در شهر، بزرگ و کوچکی باقی نماند. همه به قلعه‌ها پناه بردند، در حالی که در پای قلعه‌ها خانه‌ها خالی و جنگ با دشمن در جریان بود. ما با هم‌دیگر روبرو شدیم، اما آن‌ها جرأت فرود آمدن [در خشکی] را نداشتند. همان‌طور که افراد شهر نیز هیچ کشتی برای حمله به ناوگان آن‌ها در اختیار نداشتند. بنابراین هر کس از دیگری می‌ترسید، و در شهر حدود ۲۰۰۰ نفر گرد-آمده بودند؛ به هر حال اگر [پیش از] حمله آن‌ها [در شهر ۵۰۰ [سپاهی] حضور داشت، مردم از خانه‌هایشان فرار نمی‌کردند، اما سربازان تنها زمانی رسیدند که دشمن زودتر از آن‌ها وارد بندرگاه شده بود. و مردم دور از خانه‌هایشان ماندند تا زمانی که خداوند بر دشمن غلبه کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- برای بررسی مهاجرت‌های صورت گرفته در سواحل خلیج فارس طی سده‌های میانه، به‌ویژه سیراف و کیش، اثر محمد باقر وثوقی جزو آثار تحقیقی و ارزشمند در این زمینه محسوب می‌شود. نک: وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۰)، تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس، شیراز: دانشنامه فارس.

۲- ملک عمادالدوله تورانشاه فرزند ملک قاورد در سال ۴۷۷ بر تخت سلطنت سلجوقیان کرمان نشست. وی در زمان سلطنت خود دوبار به فارس لشکر کشید و در مرتبه دوم موفق به تصرف ایالت فارس شد که کیش نیز بخشی از آن محسوب می‌شد. رک: یزدی، ابن شهاب، جامع التواریخ حسنی، نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول، ش: ۴۳۰۷، ص ۱۹۷۸.

۳- عواملی چون افول بندر سیراف که مهاجرت گسترده بازرگانان سیرافی به سواحل دریای سرخ و دریای مدیترانه را به‌همراه داشت، در کنار سیاست مدبرانه فاطمیان مصر در رونق بخشیدن به تجارت دریای مدیترانه و دریای سرخ، و در نهایت بی‌توجهی سلجوقیان، به‌ویژه در نیمه نخست سلطنت خود، به ایالت فارس و عدم وجود قدرت متمرکز مرکزی در این ایالت، از جمله عوامل تشدید کننده افول خلیج فارس در سده‌های پنجم و ششم هجری بود.

۴- اسناد گنیزه یا جنیزه، مجموعه اسناد و مدارک کشف شده در گنیزه [= انبار] کنیسه بن عزرا در فسطاط مصر، مجموعه اسناد مشهوری است که شامل چند صد هزار سند می‌شود. بیشتر این اسناد به زبان عربی و خط عبری (عبریهود)، و اندکی از آن‌ها به زبان فارسی و خط عبری (فارسیهود) نوشته شده‌اند. اغلب این اسناد به زبان عبری و الفبای عبری نگارش یافته‌اند. محتوای این اسناد به مطالبی مختلف چون مکاتبات تجاری، قباله‌های ازدواج و اسناد خرید و فروش یهودیان ساکن مصر طی سده‌های پنجم و ششم هجری/ یازدهم و دوازدهم میلادی باز می‌گردد. بسیاری از این اسناد مربوط به تجار یهودی مصر است که طی سده‌های مذکور به تجارت میان دریای مدیترانه و اقیانوس هند مشغول بوده‌اند. در این اسناد به تجار یهودی ایرانی که به مصر مهاجرت کرده، اما هم‌چنان ارتباط تجاری خود را با شرکای ایرانی خود حفظ کرده بودند نیز برمی‌خوریم. نک:

S.D.Goitein, "The Cairo Geniza as a source for the History of
" studia Islamica , II , 1955. Muslim civilization

۵- برگردان متن هر دو نامه در پایان همین مقاله ارائه شده است.

۶- برای مشاهده موقعیت بندرتیز در دوره سلجوقی نک:

مجتبی خلیفه و عبدالرسول خیر اندیش، (تابستان ۱۳۸۶)، «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۵ و ۶ هجری (با تاکید بر نقش بندرتیز)» فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش:

۶۵: صص ۷۱-۹۲.

۷- گویتن در ترجمه انگلیسی سند به جای عبارت «جهازه نرمتین کبار»، "big Burmas" یا برمای بزرگ را به کار برده است. برما یا برماه، نوعی کشتی بادبانی بزرگ بوده که در منابع، از جمله ابن مجاور، جمع آن برائم آمده است.

۸- نوعی کشتی کوچک

۹- جاشوجیه، قایق‌های کوچکی که احتمالاً به وسیله کشتی‌های بزرگ‌تر حمل می‌شده و به‌عنوان قایق نجات، یا به‌هنگام حمله توسط جاشوها(ملوان‌ها) به کار می‌رفته است.

منابع:

ابن اثیر، عزالدین ابن الحسن علی شیبانی، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۱، دارصادر، بیروت، ۱۹۷۹ م.
ابن بلخی، *فارسانمه ابن بلخی*، توضیح و تحشیه منصور رستگارفسائی، بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴.
ابن جوزی، جمال الدین ابی الفرج، *المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم*، ج ۱۰، حقه و قدّم له: سهیل زکار، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.

ابن خردادبه، *المسالك و الممالک*، ترجمه حسین قرچانلو، ناشر مترجم، ۱۳۷۰.
ابن مجاور، *صفه بلاد یمن و بعض الحجاز، المساله تاریخ المستبصر*، ج ۲، تصحیح اوسکار لوفگرن، ۱۹۵۴ م.

ادریسی، ابو عبدالله محمد، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ج ۱، مکتبه الثقافه، الدینیة، قاهره (بی تا).
تطیلی النباری اندلسی، بنیامین بن یونه، *رحله بنیامین تطیلی*، ترجمه عذرحداد، دراغته و تقدیم عبد الرحمن عبدالله شیخ، الطبعة الثانية، المجمع الثقافي، ۲۰۰۲ م.

جوهری نیشابوری، محمد بن ابی البرکات، *جوهر نامه نظامی*، به کوشش ایرج افشار، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۳.

حموی بغدادی، یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۱، بخش ۱، ترجمه علینقی منزوی، ۱۳۸۰.
_____، *برگزیده مشترک یاقوت حموی*، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.

قزوینی، ذکریا، *آثار البلاد و اخبار العباد*، دارصادر، بیروت (بی تا).
المدریس، عبدالرحمن بن مدریس، *الدولة العیونیه فی البحرین*، ۶۳۹-۶۶۹ هـ ق/ ۱۲۳۸-۱۰۷۹ م، داره الملك عبدالعزيز، ریاض، ۱۴۲۲ هـ.ق.

وصاف، فضل الله بن عبدالله شیرازی، *تاریخ و صاف الحضرة*، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۸ هـ.ق.
همدانی، محمود بن محمود، *عجایب نامه(عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات)*، ویرایش جعفر

مدرّس صادقی، نشر مرکز، ۱۳۷۵.

Chau Ju-Kua (1911) *His works on the Chinese and Arab trade in the twelfth and thirteenth centuries*, entitled Chu-Fan-Chi, translated by F. Hirth & W.W. Rockhill, Taipe, pp.133-34.

Goitein ,S.D. (1954) "Two Eyewitness Reports on an Expedition of the king of Kish (Qais) against Aden" *Bulletin of the school of Oriental and African studies*.